



تأثیر وضعیت اضطراری بر فقد مرحله تجدیدنظر در دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی

سهراب نشاسته‌ریز^۱
محمود الممیر^۲
مسعود حیدری^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۰۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۲۴

چکیده

فرآیند افتراقی شدن آیین دادرسی کیفری در قلمرو بزهکاری اقتصادی، مرهون عواملی همچون: جهانی شدن حقوق کیفری، درماندگی نظام عدالت کیفری و ناکارآمدی اصول و کلیشه‌های سنتی آیین دادرسی کیفری در پاسخ‌دهی موفق به این پدیده می‌باشد. در این فرآیند معیارهایی همچون تخصص‌گرایی، کارایی، سرعت و شدت در پاسخ کیفری دنبال می‌شود. تصویب آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم عمده و کلان اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۹۹/۰۷/۰۸ در دوران جنگ اقتصادی پسارجم، از جمله مظاهر این فرآیند است که بموجب ماده ۱۹ آن، با فقد مرحله تجدیدنظر و قطعیت اکثریت آراء صادره از دادگاه‌های موضوع این آیین‌نامه علی‌رغم سنگینی اتهامات و محکومیت‌ها مواجه هستیم که هدف آن حتمیت اجرای مجازات است. این مسأله با به رسمیت شناختن حق بر تجدیدنظر خواهی بعنوان یکی از اصول ناظر بر تحقق کامل دادرسی منصفانه تلائم ندارد. نوشتار حاضر به شیوه توصیفی- تحلیلی انجام گرفته است. در این نوشتار به این نتیجه نائل گشتیم که این موضوع با معیارهای توصیف وضعیت اضطراری در برخی از اسناد بین‌المللی تلائم داشته و قابل توجیه بنظر می‌رسد. همچنین به نظر نویسندگان، تبدیل آیین‌نامه مذکور به قانون و به رسمیت شناختن حق بر تجدیدنظر خواهی از تمام آراء صادره از دادگاه‌های موضوع آیین‌نامه، مشابه آنچه در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در خصوص دادگاه‌های نظامی زمان جنگ پیش‌بینی گردیده ضروری بنظر می‌رسد.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. Sohrabn@ymail.com
^۲ دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) dr.malmir1@gmail.com
^۳ استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. masoud_heidari2@yahoo.com

واژگان کلیدی: فترقی شدن آیین دادرسی کیفری، بزهکاری اقتصادی، دادرسی منصفانه، حق بر تجدیدنظرخواهی، وضعیت اضطراری.

۱- مقدمه

انصاف به مثابه چوب دستی عدالت است تا از لغزش آن بکاهد و بر سرعت و استواری گام‌های آن بیافزاید. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۶۷۹) از همین رو و به علت ساحت انسانی داشتن قضاوت در محاکم و منتفی بودن احتمال خطا در آن (اشرفی، ۳۳۰: ۱۳۹۶) پیش‌بینی مرحله تجدیدنظر و به رسمیت شناختن حق بر تجدیدنظرخواهی، در زمره تمهیداتی است که با یاری به پاس داشتن حقوق دفاعی متهم، وصف منصفانه را به فرآیند دادرسی کیفری می‌افزاید.

اعتراض به آرای قضایی و تجدیدنظرخواهی از آن‌ها امری بی‌سابقه در دنیای حقوق نیست. (خدایاری، ۹: ۱۳۹۲) امروزه نیز مقوله فقد مرحله تجدیدنظر و قطعیت داشتن آرای محاکم کیفری امری خلاف اصل^۱ تلقی، فلذا تجدیدنظرپذیری آرای صادره از محاکم کیفری نخستین که در کالبد «حق بر تجدیدنظرخواهی»^۲ نمود یافته و بیانگر اصل «دو درجه‌ای بودن»^۳ فرآیند رسیدگی کیفری می‌باشد به-عنوان یکی از اصول ناظر بر تحقق کامل دادرسی منصفانه محسوب (هاشمی، ۱۳۹۲: ۴۸ و ۴۵) و در قوانین داخلی و اسناد فراملی^۴ مقبول واقع گردیده است. در فرآیند تجدیدنظر، حکم تجدیدنظرخواسته قبل از قطعیت یافتن، بار دیگر از لحاظ شکلی و ماهوی در مرجعی که از لحاظ سلسله مراتب، عالی‌تر از مرجع صادر کننده نخستین است مورد بررسی قرار می‌گیرد (خالقی، ۴۹۱: ۱۳۹۷).

از جمله اهداف جعل مرحله تجدیدنظر و حق بر تجدیدنظرخواهی، احتراز از وقوع اشتباهات قضایی (خالقی، ۳۶۸: ۱۳۹۲)، پاسداشت حقوق دفاعی متهم (جمادی، ۱۳۸۶: ۱۵۲)، ایجاد روزنه برای جبران

^۱ مطابق ماده ۴۲۷ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲، آرای دادگاه‌های کیفری تنها در خصوص جرایم تعزیری درجه هشت و جرایم مستوجب پرداخت دیه یا ارش در صورتی که میزان یا جمع آنها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد «قطعی» تلقی و سایر آرا حسب مورد، قابلیت تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان یا فرجام خواهی در دیوان عالی کشور را خواهند داشت. همچنین باید دانست که ملاک تشخیص قابل تجدیدنظر بودن یک رأی و تشخیص مرجع اعتراض اعم از تجدیدنظر یا فرجام (حسب مورد دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور) مجازات مصرح در قانون است و نه مجازاتی که در رأی دادگاه انعکاس یافته است و از این جهت نیز میان آرای منتهی به برائت یا محکومیت تفاوتی وجود ندارد (ناجی زواره، ۱۳۹۴: ۱۳۰).

^۲ Right to Review-Appeal.

^۳ شیوه رسیدگی دو درجه‌ای نسبت به پرونده‌های کیفری که ابتدا در مقررات قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰ ایران نمایان گردید از مقررات کشور فرانسه اقتباس شده بود (جمادی، ۱۳۸۶: ۷۴).

^۴ بطور مثال: بنده ۵ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، شق «ح» بند ۲ از ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بند ۱ از ماده ۲ پروتکل ۷ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و بند ۱ از ماده ۷ منشور افریقایی حقوق بشر و نیز بند ۴ ماده ۸۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص جرایم داخل صلاحیت این دیوان، حق بر تجدیدنظر را پذیرفته است. جهت مشاهده جزئیات: رک: اشرفی، ۱۳۹۶: ۳۳۸-۳۳۶، هاشمی، ۱۳۹۲: ۴۹-۴۸.

اشتباهات دادگاه تالی، جلب اعتماد مردم نسبت به نظام عدالت کیفری، پیشگیری از خود انتقامی توسط مردم و حتی پیشگیری از وقوع پدیده‌های مجرمانه می‌باشد (اشرفی، ۱۳۹۶: ۳۳۵).

در این میان، هم‌جهت با برخی از سیاست‌های جهانی مبارزه با گونه‌های نوین بزهکاری^۱، «افتراقی شدن آیین دادرسی کیفری»^۲ به عنوان یکی از رهیافت‌های نوین علوم جنایی به منظور به‌گزینی پاسخ کیفری به بزهکاری اقتصادی و در رأس آن، بزهکاری اقتصادی عمده و کلان^۳ به کار گرفته می‌شود. افتراقی شدن آیین دادرسی کیفری، شیوه‌ای از پاسخ‌دهی را دنبال می‌نماید که از اوصافی نظیر تخصص‌گرایی^۴، شدت^۵، حتمیت^۶، کارآمدی^۷ و سرعت در رسیدگی برخوردار است که جلوه‌هایی از آن در «آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم عمده و کلان اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۹۹/۰۷/۰۸ ریاست قوه قضاییه» که زین پس به اختصار «آیین‌نامه» خوانده می‌شود به چشم می‌آید. مفاد آیین‌نامه، در برخی موارد از جمله رویکرد سخت‌گیرانه دادگاه‌های ویژه موضوع آن، به سبب قطعیت آراء صادره از آنها (به استثناء محکومیت به اعدام)^۸ که مبعث از تحقق هدف «حتمیت اجرای مجازات»^۹ از طریق حذف مرحله تجدیدنظر می‌باشد، تلائم چندانی با کلیشه‌های سنتی آیین دادرسی کیفری و تضمینات دادرسی منصفانه ندارد. در خصوص این عدم تلائم، بایستی اذعان نمود از جمله غایاتی که سامان بخشی متفاوت فرآیند دادرسی‌های کیفری (رویکرد افتراقی) را توجیه می‌نماید «ضرورت عمومی» است. در حقیقت، ضرورت عمومی پشتوانه‌ایست برای دولت‌ها تا بتوانند در زمان مواجهه با بحران و خطرات مهم و بالفعلی که امنیت جامعه را عمیقاً تهدید می‌نمایند، استثنائاً از اصولی که سابقاً خود بدان پایبند بوده‌اند فاصله گرفته و رویکرد متفاوتی را دنبال نمایند. (دبیرزاده، ۱۴۹: ۱۳۹۴) طرفه آن‌که، این حالت که به‌زعم برخی

^۱ بطور مثال کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی ۲۰۰۱ و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد ۲۰۰۳ قابل اشاره است.

^۲ Differentiation of Criminal Procedure

^۳ ماده ۹ آیین‌نامه مبنای تشخیص «عمده یا کلان بودن جرم» را اینگونه مقرر داشته است: - قاضی رسیدگی کننده در تشخیص عمده، کلان و یا فراوان بودن موارد مذکور در قانون اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و نیز گستردگی موضوع ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ متناسب با حوزه قضایی محل ارتکاب جرایم موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد: الف) تعداد بزه‌دیدگان و مالباختگان؛ ب) گستردگی و وسعت آثار مخرب اقتصادی و اجتماعی یا خسارات وارده ناشی از جرم؛ ج) میزان مال یا عواید ناشی از جرم. تبصره- چنانچه در تشخیص عمده، کلان و یا فراوان بودن موارد مذکور در قانون یادشده تردید حاصل شود، قاضی رسیدگی کننده می‌تواند نسبت به رفع ابهام حسب مورد از بانک مرکزی، وزارت صمت و یا سایر مراجع ذیصلاح دیگر استعلام نماید.

^۴ Expertism

^۵ Severity

^۶ Certainty

^۷ Efficiency

^۸ ماده ۱۹ آیین‌نامه مقرر داشته: - آراء دادگاه در صورت حضوری بودن قطعی است مگر در مورد مجازات اعدام که در موعد مقرر قانونی قابل فرجام در دیوانعالی کشور می‌باشد. همچنین تبصره ۲ ماده ۵ آیین‌نامه فوق مقرر داشته: - قرارهای صادره از سوی دادگاه به استناد بند ۷ استجازه مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۰۲ قطعی باشند.

^۹ Certainty of The Execution of Penalty

نویسندگان (هاشمی، ۱۳۹۲: ۶۴) تعریف یا مصداق روشنی از آن وجود ندارد در قلمرو نظام بین‌الملل حقوق بشر نیز به رسمیت شناخته شده^۱ و بر اساس آن، در صورت وقوع خطر عمومی استثنایی که موجودیت ملت را تهدید نماید، چنانچه شرایط مقرر دیگر نیز وجود داشته باشد و میان حمایت از «دولت-ملت» و یا «حقوق افراد» تراحی می‌رُخ دهد، حمایت از «دولت-ملت» حتی اگر مشتمل بر قربانی نمودن «حقوق فردی انسان‌ها» باشد بازهم ارجحیت پیدا می‌نماید. (قربان‌نیا، ۱۳۹۴: ۳۶۴) این فرآیند فوق‌العاده، مفهوم «شرایط اضطراری»^۲ یا «وضعیت استثنائی»^۳ را در آستانه حقوق عمومی و امور سیاسی خلق نموده (هاشمی، ۱۳۹۲: ۶۷) که با تأملی بر آن شاید قادر به توجیه مقوله فقد مرحله تجدیدنظر در آیین دادرسی دادگاه‌های ویژه موضوع آیین‌نامه که در دوران جنگ اقتصادی پسارجم وضع گردیده باشیم.

۲- پیشینه پژوهش

از میان پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله می‌توان به کتاب «دادرسی منصفانه در شرایط اضطراری در اسناد بین‌المللی و ایران» نوشته سیدحسن هاشمی در سال ۱۳۹۲ نام برد. در این کتاب بطور جامع، مباحث دادرسی منصفانه و وضعیت اضطراری از منظر اسناد بین‌المللی تلفیق و تحلیل گردیده و بیشتر بر مقوله تروریسم و عدول از قواعد دادرسی منصفانه در این شرایط پرداخته شده است.

همچنین کتاب «افتراقی شدن آیین دادرسی کیفری» نوشته مصطفی پاک‌نیت در سال ۱۳۹۶، اثر ارزشمند و جامعی است که تحلیل و نقد حقوقی-جرم‌شناختی نسبت به افتراقی شدن دادرسی کیفری داشته و مصادیق آن را با ذکر جزئیات به رشته تحریر درآورده است.

جلال بیگزاده در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «موارد عدول از دادرسی عادلانه در حقوق کیفری ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی» که در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است به تبیین موارد عدول از دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی، مرحله محاکمه و پس از آن با ذکر مصادیق آن در حقوق ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی پرداخته است.

علی جمادی در رساله دکتری خود با عنوان «قطعیت آراء و حق تجدیدنظرخواهی در حقوق کیفری ایران و مقایسه با فقه و اسناد حقوق بشری» که در سال ۱۳۸۶ در دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است مطالعه‌ای تطبیقی و ژرف نسبت به قوانین لازم‌الاجرا در زمان نگارش رساله مذکور و منابع فقهی و اسناد بین‌المللی حقوق بشری داشته است و در آن زمان اتخاذ شیوه مناسب جهت اعتراض به آرای محاکم ایران را پیشنهاد نموده است.

^۱ بموجب ماده چهار میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دول عضو مجازند در «شرایط اضطراری» اجرای بسیاری از حقوق را معلق نمایند.

^۲ State of Emergency

^۳ State of Exception

۳- روش‌شناسی پژوهش

در این نوشتار روش گردآوری اطلاعات، شیوه اسنادی می‌باشد که با استفاده از شیوه مطالعه کتابخانه‌ای و مطالعه و مذاقه در منابع موجود نوشتاری همچون؛ کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های دانشگاهی مرتبط، به تلفیق موضوعات و تحلیل پرداخته‌ایم.

۴- ادبیات تحقیق

در این مقاله مطلع کلام ما، به‌اختصار، بازشناسی «حق بر تجدیدنظر خواهی از آرای دادگاه‌های کیفری» به‌عنوان یکی از اصول ناظر بر تحقق کامل دادرسی منصفانه خواهد بود. سپس، افتراقی‌شدن آیین دادرسی کیفری بزهکاری اقتصادی را واکاوی خواهیم نمود. در گام بعد، معیارهای توصیف «وضعیت اضطراری» از دریچه اسناد بین‌المللی را به اجمال خواهیم شناخت و در نهایت به این پرسش پاسخ خواهیم داد که آیا عدم تلائم ناشی از فقد مرحله تجدیدنظر و قطعیت اکثر آرای صادره از دادگاه‌های مذکور با یکی از اصول ناظر بر تحقق کامل دادرسی منصفانه که همانا وجود مرحله تجدیدنظر و حق بر تجدیدنظر خواهی می‌باشد، با وضعیت اضطراری قابل انطباق است یا خیر؟

۱-۴- تجدیدنظر و حق بر تجدیدنظر خواهی از آرای کیفری

از منظر لغوی، عبارت «تجدیدنظر خواهی» ترکیبی از سه واژه «تجدید»، «نظر» و «خواهی» می‌باشد. «تجدیدنظر» به معنای باز اندیشیدن، دوباره تعمق نمودن در کار یا چیزی (دهخدا، ۶۹۷: ۱۳۸۵)، در امر یا نوشته‌ای دوباره نظر نمودن و آن‌را مورد بررسی مجدد قرار دادن می‌باشد. (معین، ۷۶۲: ۱۳۸۲) واژه «خواهی» نیز قید تردید و از منظر لغوی به معنای خواستن و طلب نمودن است (معین، ۱۰۳۷: ۱۳۸۲).

اصطلاح «تجدیدنظر» در «دیکشنری حقوقی بلکز» به‌عنوان فرآیندی^۱ که به‌موجب آن، تصمیم اتخاذ شده (رای) به‌منظور بازنگری به مرجع قضایی بالاتر ارجاع داده می‌شود تعریف گردیده و «حق بر تجدیدنظر خواهی»^۲ نیز علاوه بر اینکه متضمن همین مفهوم است به‌عنوان یک حق محتوم که اعمال آن نیاز به اجازه پیشین ندارد شناخته شده است (گارنر، ۲۰۰۹: ۱۱۲) شاید از همین روست که حتی در اساسنامه «دیوان کیفری بین‌المللی»^۳ بعنوان آیین دادرسی خطرناک‌ترین و فجیع‌ترین جنایات (نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت) می‌باشد نیز، حق بر تجدیدنظر خواهی برای محکوم‌علیه نسبت به

¹ Proceeding

² Appeal by Right

³ International Criminal Court

حکم محکومیت بنا به دلایلی نظیر اشتباه شکلی، موضوعی، یا هر دلیل دیگری که در منصفانه بودن یا اعتبار مراحل رسیدگی یا تصمیم اتخاذ شده مؤثر باشد، پیش‌بینی گردیده است^۱ (شبت، ۱۳۹۶: ۱۹۵). و اما پرسش دیگر این است که جایگاه این حق در منظومه عدالت کیفری ایران کجاست؟ در پاسخ بایستی اذعان نمود؛ وجود و فقد مرحله تجدیدنظر و حق بر تجدیدنظر خواهی در نظام دادرسی کیفری ایران، بعنوان یکی از طرق عادی شکایت از آراء کیفری، همواره مدافعان و مخالفانی داشته و دارد^۲ از همین رو، سیر تطور آن، فراز و فرودهایی را تجربه نموده که ذکر آنها از حوصله این نوشتار خارج است^۳ لکن در دوران کنونی بایستی مواد ۴۲۶ الی ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ راجع به آراء صادره از محاکم کیفری و مواد ۶۳۴ و ۶۳۵ همان قانون در خصوص آراء صادره از محاکم نظامی^۴، که مؤید پذیرش «حق بر تجدیدنظر خواهی» و وجود فرآیند «تجدیدنظر» همراه با آثار مهم «انتقالی و تعلیقی»^۵ در اکثر موارد (به استثناء جرایم کم‌اهمیت مندرج در ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲) می‌باشد را ملحوظ نظر قرار داد.

فرآیند تجدیدنظر در معنای خاص^۶ آن که قبل از قطعیت رأی، سبب ارجاع پرونده به مرجع قضایی بالاتر به منظور رسیدگی مجدد شکلی و ماهوی^۷ شده و متضمن رسیدگی دو درجه‌ای می‌باشد و به دنبال آن، حق بر تجدیدنظر خواهی، نسبت به جرایمی که مجازات قانونی آنها مشمول موارد مندرج در مواد

^۱ مواد ۸۱ الی ۸۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به مقوله «تجدیدنظر» اختصاص یافته است. بطور مثال بر مبنای بند ۴ ماده ۸۱ اساسنامه مذکور؛ مادامی که فرجه تجدیدنظر خواهی خاتمه نیافته باشد و یا رسیدگی تجدینظری در جریان باشد اجزای مجازات به حال تعلیق درخواهد آمد جهت اطلاع بیشتر. رک: شبت، ۱۳۹۶: ۱۹۷-۱۹۵ و ۳۱۱-۳۱۳.

^۲ جهت اطلاع بیشتر. رک: منصورآبادی، ۱۳۸۹: ۷۶-۶۹ و خدایاری، ۱۳۹۲: ۱۶-۹ و جمادی، ۱۳۸۶: ۱۵۲-۱۱۷.

^۳ جهت اطلاع بیشتر. رک: خدایاری، ۱۳۹۲: ۶۵-۴۱ و مؤذن‌زادگان و بیات، ۱۳۹۹: ۷۰-۶۶ رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۳۷-۲۳۳ و جمادی، ۱۳۸۶: ۴۵-۱۴.

^۴ ماده ۴۲۶: دادگاه تجدیدنظر استان مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از کلیه آرای غیرقطعی کیفری است جز در مواردیکه در صلاحیت دیوان عالی کشور باشد. دادگاه تجدیدنظر استان در مرکز هر استان تشکیل می‌شود. این دادگاه دارای رئیس و دو مستشار است، دادگاه تجدیدنظر و شعب دیوان عالی کشور با دو عضو نیز رسمیت دارند.

^۵ ماده ۶۳۴: آراء دادگاه‌های نظامی جز در مواردی که قطعی محسوب می‌شود حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر نظامی همان استان و یا دیوان عالی کشور قابل تجدیدنظر یا فرجام خواهی است و ماده ۶۳۵ همان قانون اعلام داشته است: آراء دادگاه‌های نظامی از حیث قطعیت یا قابلیت تجدیدنظر یا فرجام خواهی مانند آراء سایر دادگاه‌های کیفری است، مگر آنکه در این بخش ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

^۶ اثر «انتقالی» تجدیدنظر باعث انتقال پرونده از دادگاه بدوی به مرجع قضایی بالاتر و اثر «تعلیقی» سبب می‌شود رأی صادره از دادگاه بدوی اصولاً تا زمان اتخاذ تصمیم مرجع بالاتر، معلق و اجرا نشده باقی بماند (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۳۳).

^۷ به منظور پرهیز از خلط شدن با مفاهیمی نظیر «واخواهی»، «فرجام خواهی» و «اعاده دادرسی» که تجدیدنظر نسبت به آراء در معنای عام را در بر می‌گیرد به معنای خاص تجدیدنظر اشاره شده است.

^۸ از جمله وجوه افتراق فرآیند «تجدیدنظر» در دادگاه تجدیدنظر استان و «رسیدگی فرجامی» شعب دیوان عالی کشور، عدم جواز رسیدگی «ماهوی» در فرآیند فرجام خواهی است و این نکته از بند ۴ ماده ۶۱۹ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ که مقرر داشته: «...-۴- در سایر موارد، پس از نقض، پرونده به دادگاه هم عرض ارجاع می‌شود.» قابل استنباط است.

۴۲۷ و ۴۲۸ قانون مذکور نمی‌گردند^۱ هم سو با الزامات اسناد بین‌المللی که پیش‌تر بیان شد به رسمیت شناخته شده است. افزون بر این، مقنن ایرانی، حتی در شرایط ویژه‌ای نظیر درگیری کشور با جنگ، برای متهمانی که رسیدگی به اتهاماتشان در صلاحیت محاکم نظامی زمان جنگ می‌باشد نیز حق بر تجدیدنظر را پذیرفته است.^۲ ذکر این نکته نیز خالی از فایده نخواهد بود؛ مطابق ماده ۲۳ «سند امنیت قضایی مصوب ۹۹/۰۷/۲۱ ریاست سابق قوه قضاییه»^۳ حق اعتراض و تجدیدنظر به رسمیت شناخته شده و حتی اجرای مجازات، بدون رسیدگی به اعتراض متضرر قلمداد شده است. علی‌ای‌حال به موجب ماده ۱۹ آیین‌نامه، آرای صادره از دادگاه‌های ویژه موضوع آیین‌نامه، به شرط حضوری بودن قطعیت خواهند داشت مگر مجازات مورد حکم اعدام باشد که در این صورت قابلیت فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور (صرفاً رسیدگی شکلی) و نه تجدیدنظرخواهی (رسیدگی شکلی و ماهوی) را خواهند داشت.

۲-۴- جایگاه تجدید نظر در دادرسی منصفانه

برای تبیین جایگاه تجدیدنظر در فرآیند دادرسی کیفری، به‌عنوان یکی از اصول ناظر بر تحقق کامل دادرسی منصفانه، در ابتدا بایستی به اجمال مفهوم «دادرسی منصفانه»^۴ را بازشناسیم. به‌عنوان مقدمه باید دانست؛ به‌زعم برخی حقوقدانان^۵، «دادرسی منصفانه» و «دادرسی عادلانه» مفهوم واحدی تلقی می‌گردند اگرچه نویسندگان دیگری، دادرسی عادلانه را خشک و سرسخت دانسته و دادرسی منصفانه را از انعطاف بیشتری برخوردار می‌دانند.^۶ (هاشمی، ۱۳۹۲: ۱۸ / محمودی، ۱۳۹۶: ۲۶). برخی از نویسندگان نیز تحقق دادرسی عادلانه را در گروه رفتار منصفانه با متهم و بزه‌دیده می‌دانند. (رجبی تاج امیر، ۱۴۰۰: ۱۰۹) ما نیز

^۱ متن ماده ۴۲۷ پیش‌تر آمده و ناظر به قطعیت آراء صادره در خصوص جرایم سبک (تعزیری درجه ۸ و مستوجب پرداخت دیه یا ارض که میزان یا جمع آن‌ها کمتر از یکدهم دیه کامل است) می‌باشد و صدر ماده ۴۲۸ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ ناظر بر جرایم قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است که مقرر داشته: رای صادره درباره جرائمی که مجازات قانونی آنها «سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه سه و بالاتر است» و «جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها نصف دیه کامل یا بیش از آن است» و آرای صادره درباره «جرائم سیاسی و مطبوعاتی» قابل «فرجام‌خواهی» در دیوان عالی کشور است.

^۲ ماده ۵۹۰ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ مقرر داشته: «در زمان جنگ، دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، با تصویب رئیس قوه قضاییه به تعداد مورد نیاز و به منظور رسیدگی به جرایم مربوط به جنگ با رعایت ماده ۵۹۱ این قانون در محل قرارگاه‌های عملیاتی، مراکز استان‌ها یا سایر مناطق مورد نیاز تشکیل میشود...». همچنین بند «ج» ماده ۵۸۲ همین قانون، صراحتاً از وجود دادگاه تجدیدنظر نظامی زمان جنگ، بعنوان یکی از محاکم موجود در ساختار سازمانی سازمان قضایی نیروهای مسلح، سخن رانده است.

^۳ هرکس حق دارد نسبت به تصمیم یک مرجع قضایی یا اداری که به ضرر او صادر شده است جز در موارد مصرح در قانون، اعتراض کند. اجرای مجازات بدون رسیدگی به اعتراض متضرر ممنوع است.

^۴ Fair Trial

^۵ ر.ک: بیگزاده، ۱۳۸۸: ۷، رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۱۷، اشرافی، ۱۳۸۶: ۱۲، شمعی و احمدی، ۱۳۹۹: ۴۰۷، دبیرزاده، ۱۳۹۴: ۵۸-۵۷.

^۶ انصاف درجه لطیف‌تر و رقیق‌تر عدالت است. برای نمونه؛ عدالت اقتضاء دارد تا مدیون، دینش را به طلبکار پرداخت کند لکن انصاف، اقتضاء می‌کند اگر خواهر درمانده‌ای به برادر توانگرش مدیون باشد، به او مهلتی داده شود و قاضی فوراً حکم ندهد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۲۹).

در این تحقیق ضمن پذیرش اختلاف جزئی دو مفهوم انصاف و عدالت در نهایت، به وحدت معنا و اشتراک مصادیق میان این دو نظر داریم. این اصطلاح، نخستین بار پس از اجرای مفاد پروتکل یازدهم کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین ۱۹۹۸ مطرح گردید. (بیگزاده، ۱۳۸۸: ۶) و اما در خصوص معنای دادرسی منصفانه بایستی اذعان نمود؛ در سیاهه قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی، مقرره ای که به وضوح تعریفی ارائه نموده باشد وجود ندارد^۱ و آنچه به دیده می‌آید تأکید بر فرآیند دادرسی منصفانه و ذکر مهم‌ترین معیارها و تضمینات این الگو^۲ از دادرسی کیفری می‌باشد (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۱۸).

بطور مثال؛ دیکشنری حقوقی پلکز، دادرسی منصفانه را به‌عنوان «محاکمه‌ای که توسط دادگاهی بی‌طرف و فاقد منفعت و بر پایه تشریفات متضمن احترام به حقوق بنیادین و قانونی متهم صورت می‌پذیرد» تعریف نموده است (گارزیز، ۲۰۰۹: ۶۷۶).

نویسنده دیگری آن را مجموعه معیارها و تضمیناتی دانسته است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعوی نزد دادگاه صالح، مستقل، بی طرف و قابل پیش‌بینی، به کار گرفته می‌شود (محمودی، ۱۳۹۶: ۲۵).

در مجموع نظر حقوق دان دیگری مناسب‌تر به نظر می‌رسد که شرط تحقق دادرسی منصفانه را رعایت کلیه معیارها و استانداردهای جهانی دادگستری دانسته و آن را این‌گونه تعریف نموده است: «این که دعوای مطروحه میان طرفین دعوا در یک دادگاه صالح و مستقل و بی‌طرف که مطابق با قانون تشکیل گردیده و در یک فضای آرام و شرایطی برابر توسط قضات متخصص و دانا بصورت علنی و با رعایت کلیه تضمین‌های شکلی و ماهوی مربوط به حقوق اصحاب دعوا مورد رسیدگی قرار گیرد» (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۲۱-۲۲۰).

فلذا با توجه به تعاریف فوق، می‌توان به این نتیجه رسید که پاسداشت اصول دادرسی منصفانه، به معنای ارفاق به اشخاص درگیر در فرآیند کیفری نمی‌باشد (بیگزاده، ۱۳۸۸: ۳) بلکه رعایت این موارد تحقق عدالت و انصاف و نیز جلوگیری از فراموشی انسانیت افراد و غرض‌ورزی را به‌ارمغان می‌آورد. (شمعی و احمدی، ۱۳۹۹: ۴۰۸) تا جایی که می‌توان اصول و موازین دادرسی منصفانه را یکی از ابزارهای مهم حمایت از اشخاص در اسناد حقوقی فراملی و در قبال قدرت دولت تلقی نمود که به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر به کرات ذکر گردیده است (هاشمی، ۱۳۹۲: ۲۰). در حقیقت مفاهیم دادرسی عادلانه

^۱ جهت اطلاع بیشتر ر.ک: هاشمی، ۱۳۹۲: ۳۲-۱۹.

^۲ هربرت پاکر (استاد حقوق کیفری دانشگاه استنفورد) دو «الگوی» عمده را برای فرآیند دادرسی کیفری تعریف می‌نماید: ۱-الگوی «کنترل جرم» که بطور خلاصه تسهیل سرکوب مجرمین و شدت بخشیدن به پاسخ کیفری را دنبال می‌نماید ۲-الگوی «دادرسی منصفانه» که مقوله‌هایی نظیر؛ دقت در تعقیب مجرمین و رعایت حقوق متهمان را جزء اولویت‌های نظام عدالت کیفری می‌پندارد. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: قپانچی و دانش‌ناری، ۱۳۹۱.

منصفانه در بر دارنده جنبه کیفری موازین حقوق بشری است که در وهله نخست به شکل اصول راهبردی در قانون اساسی ملحوظ نظر قرار می‌گیرد و سپس جزئیات و حالات مختلف آن در در قوانین عادی، ضابطه‌مند و دارای ضمانت اجرا می‌گردد. (رجبی تاج امیر، ۱۴۰۰: ۱۱۰)

همانطور که پیش‌تر نیز بیان شد؛ از جمله نقاط تلاقی میان دادرسی منصفانه و وضع مرحله تجدیدنظر و حق بر تجدیدنظرخواهی، پاسداشت حقوق دفاعی متهم^۱ و صیانت از حق مدعی خصوصی در برابر بی‌توجهی‌ها یا نواقص احتمالی تشخیصی دادگاه بدوی دانسته شده است. (خدایاری، ۱۳۹۲: ۱۹) فلذا بدون رعایت کامل حقوق دفاعی متهم که یکی از آن‌ها نیز کاربست حق بر تجدیدنظرخواهی و طرح پرونده در مرحله تجدیدنظر خواهد بود، قاعدتاً به تحقق کامل دادرسی منصفانه نائل نمی‌گردیم. حتی به زعم برخی نویسندگان، حق پژوهش (حق بر تجدیدنظر) در زمره اصول غیرقابل عدول دادرسی منصفانه است که دولت‌ها در هیچ شرایطی مجاز به صرف‌نظر نمودن از آن نمی‌باشند (هاشمی، ۱۳۹۲: ۲۳۱).

پُر واضح است؛ پاسداشت حقوق دفاعی متهم و استفاده از ظرفیت تجدیدنظر زمانی اهمیت بیشینه می‌یابد که مجازات قانونی اتهامات سنگین بوده^۲ و طرف دیگر پرونده در عمل، قوای حاکمه و نه اشخاص عادی باشد که از قضا، غالب پرونده‌های بزهکاری اقتصادی عمده و کلان نیز با این وضعیت منطبق است.^۳ علی‌ای‌حال^۴ به سبب مواجهه کشورمان با تحریم‌های ظالمانه و تمام عیار اقتصادی وضع شده توسط جبهه استکبار در دوران پسا برجام و ظهور اصطلاح نوینی در ادبیات سیاسی و اقتصادی کشورمان تحت عنوان «جنگ اقتصادی»، که در این تحقیق در پی انطباق شرایط و آثار ناشی از آن با مفهوم «وضعیت اضطراری» می‌باشیم، شاهد پدیدآیی آیین دادرسی افتراقی و سخت‌گیرانه در مسیر پاسخ‌دهی به بزه‌کاران اقتصادی کلان و عمده در منظومه عدالت کیفری کشورمان می‌باشیم که یکی از جلوه‌های آن وضع ماده ۱۹ آیین‌نامه^۴ و فقد مرحله تجدیدنظر و به تبع آن، قطعیت اکثریت آراء صادره از

^۱ به تعبیر برخی نویسندگان، پیش‌بینی مرحله تجدیدنظر بعنوان مرحله دوم رسیدگی، با اصل تفسیر به نفع متهم نیز تلائم دارد. (مؤذن‌زادگان و بیات، ۱۳۹۹: ۷۳ و جمادی، ۱۳۸۶: ۱۵۲)

^۲ بطور مثال به‌موجب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری ۱۳۶۷، قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی ۱۳۶۹ با اصلاحات ۱۳۸۴، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲، قانون امور گمرکی ۱۳۹۰ و... مجازات‌های سنگینی اعم از اعدام و سایر حبس‌های بلندمدت برای بزهکاران اقتصادی در نظر گرفته شده‌است. به‌تعبیر برخی نویسندگان، استراتژی مقنن در خصوص نوع و میزان کیفر مجرمان اقتصادی، بر مدار ناتوان‌سازی و خطرناک‌پنداری ایشان مبتنی می‌باشد. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: محمدی مغانجوقی، ۱۳۹۸: ۸۵۹-۸۵۳

^۳ به تعبیر برخی نویسندگان؛ فساد سیاسی ثمره فساد مالی است و تضعیف امنیت اقتصادی به سبب ارتکاب بزه‌کاری اقتصادی عمده و کلان، جلوه‌ای از ناکارآمدی حاکمیت محسوب و آثار مخربی بر مشروعیت نظام حاکم دارد. از همین رو بزهکاری اقتصادی می‌تواند به‌عنوان یک عامل تهدیدکننده امنیت ملی قلمداد گردد (شمعی و احمدی، ۱۳۹۹: ۱۱۰).

^۴ ماده ۱۹ آیین‌نامه مقرر داشته: -آراء دادگاه در صورت حضوری بودن «قطعی» است مگر در مورد مجازات اعدام که در موعد مقرر قانونی قابل «فرجام» در دیوانعالی کشور می‌باشد.

دادگاه‌های ویژه موضوع آیین‌نامه، می‌باشد که برای درک صحیح موضوع، در ادامه چرایی و چیستی افتراقی شدن آیین دادرسی کیفری بزهکاری اقتصادی را تبیین می‌نماییم.

۳-۴- افتراقی شدن آیین دادرسی کیفری بزهکاری اقتصادی

۱-۳-۴- چرایی افتراقی شدن آیین دادرسی کیفری بزهکاری اقتصادی

«جهانی شدن»^۱، به‌عنوان یکی از مهمترین امواج تحول ساز اجتماعی عصر حاضر^۲، منظومه‌ای از تغییرات و تأثیرات را در قلمرو حقوق کیفری پدید آورده است. از یک سو، با خلق فرصت‌هایی تازه برای بزه‌کاران (احمدی و رضایی، ۱۱۶: ۱۳۹۵) پهنه حقوق کیفری و مشتقات آن را در نوردیده و شرایطی تحت عنوان «جهانی شدن حقوق کیفری» را برای جوامع و حکومت‌ها به ارمغان آورده است.^۳ بدین شرح که؛ در مسیر جهانی شدن حقوق کیفری، اصول و قواعد حقوقی در کالبد مفاهیمی فراقانونی که از نسل‌های پیشین برای بشر به ارث رسیده و به‌عنوان مسلمات حقوقی نیازی به اثبات ندارند (تدین و باقری‌نژاد، ۶۷: ۱۳۹۸) و اعتقاد و التزام به آن‌ها، تحت عنوان «اصول‌گرایی کیفری کلاسیک» شناخته می‌گردد به چالش کشیده شده و بازنگری چنین کلیشه‌ها و اصول سنتی‌ای، جهت نیل به افزایش کارآمدی سیاست‌جنایی و هدفمندسازی نظام عدالت کیفری اجتناب ناپذیر پنداشته می‌شود. (پاک‌نیت، ۱۳۹۶: ۲۱-۱۹) و از سوی دیگر، جهانی شدن به سبب برپایی انقلابی در نیم‌رخ بزهکاری و توسعه گونه‌های نوین بزه‌کاری همچون بزه‌کاری اقتصادی^۴ و بزه‌کاری سازمان‌یافته^۵ که «جنبه جهانی به خود گرفته و منحصر به یک نظام سیاسی- اقتصادی نمی‌باشد» (ابراهیمی، ۱۷: ۱۳۹۳)^۶ به‌ناچار، در سطح جهانی نیز، زرادخانه نظام عدالت-

^۱ Globalization

^۲ در این مقاله مراد از «جهانی شدن»، معنای اعم آن است؛ فرایند پُرشتایی که جامعه بشری متشکل از اقوام و ملت‌های گوناگون را به ادغام، یکپارچگی و تقریب می‌رساند و در این میان برخی از دولت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در تکاپوی ایجاد نظم نوین و سیاست‌گذاری بر مبنای امیال و معیارهای مورد قبول خود در سراسر جهان می‌باشند (جوانمرد، ۱۳۹۳: ۴۱).

^۳ ظهور پدیده‌های جهانی شدن، لیبرالیسم و منطقه‌گرایی، دولت‌ها را به این باور رسانیده که اکثریت بحران‌ها، خطرات و فرصت‌های عصر حاضر نیازمند راه‌حل مشترک جهانی می‌باشند و به همین دلیل تمایل قانون‌گذاران و قوای قضاییه برای توسل به نهادهای فراملی، بمنظور حل مشکلات، افزون گردیده است (شمعی و احمدی، ۱۳۹۹: ۶۲).

^۴ بطور مثال امروزه برای توصیف خطرناکی مجرمان، تمرکز از خود فرد (مجرم) و بالقوگی مجرمانه برداشته شده و بیشتر به آثار نشأت گرفته از جرم توجه میشود از همین روست که عملکرد مجرمان یقه‌سفید (بعنوان یکی از انواع جرایم اقتصادی) را حتی بسیار خطرناک‌تر از بدترین قاتلین سریالی پنداشته و از جرم یقه‌سفیدی به عنوان خطرناکی فراموش شده تعبیر نموده اند (رضوانی، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

^۵ جهت اطلاع بیشتر رک: رجعی امیر تاج، ۱۴۰۰: ۱۰۲-۱۰۰.

^۶ از همین رو، به موازات جهانی شدن اقتصاد و به دنبال آن، جهانی شدن مصادیق بزهکاری اقتصادی با «جهانی شدن سیاست‌جنایی در قبال بزهکاری اقتصادی» مواجه هستیم. جهت اطلاع بیشتر؛ رک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۴۷۶-۴۵۱.

کیفری را بویژه از منظر شکلی، تقویت و دگرگون و به کاربست تغییر در استراتژی نظام حقوقی داخلی به‌منظور رسیدگی و پاسخ دهی به این دسته جرایم منتج گردیده است.^۱

و اما علاوه بر جهانی‌شدن حقوق کیفری، عجز و درماندگی نظام عدالت کیفری در مهار بزهکاری، دیوار رفیعی از بی‌اعتمادی را میان حکومت و جامعه پدید آورد و امروزه بر همین اساس، عطش و تمایل حکومت‌ها را حتی با درخواست مردم جهت رجعت به خشونت و سرکوبگری قوانین افزایش داده است^۲ (آقای‌نیا و جوانمرد، ۸: ۱۳۹۰). در واقع از حدود دهه هفتاد میلادی به این سو، به‌دنبال تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، تأمین امنیت و بالا بردن احساس امنیت، به‌عنوان اصلی‌ترین مقصود کارگزاران نظام عدالت کیفری و سیاسیون در دستور کار قرار گرفت تا جایی‌که در گفتمان حقوق کیفری معاصر نیز، تمرکز و تأکید بر امنیت عمومی به رهیافتی غالب مبدل گردیده است (رضوانی، ۱۳۹۶: ۳۱۷ و ۲۳).

در ارتباط با همین موضوع و مقارن با تحولات دهه هفتاد میلادی، حقوق کیفری و مشتقات آن نیز در سپهر خود، شاهد طوع اندیشه‌های انتقادی و پسانوگرایانه بودند که بنیان آیین دادرسی کیفری را به لرزه در آورده و مخرج مشترکشان مؤید این مطلب است که؛ قواعد و احکام کلی حقوقی، نمی‌توانند راهنمایی برای آیین دادرسی باشند (پاک‌نیت، ۱۱۷: ۱۳۹۶). چنانکه به تعبیر ژان پرادل^۳، آیین دادرسی - کیفری ناپلئون فرسوده گشته و تکه‌تکه و نامتجانس شدن دادرسی کیفری بایستی ملحوظ نظر قرار گیرد. ریموند گسن^۴، افتراقی‌شدن را در قالب دو شیوه گوناگون یعنی؛ تشدید آیین دادرسی برای جرایم شدید و آیین دادرسی ساده برای جرایم متوسط می‌پندارد (گسن، ۱۳۸۵: ۳۴۷-۳۴۶). این تفکر تا جایی امتداد یافت که امروزه حتی جوامع داعیه‌دار دموکراسی^۵ نیز معتقدند رمز پیروزی در مسیر مبارزه با جرم، دموکراسی کمینه است و آیین دادرسی عمومی برای مبارزه با جرم کفایت نمیکند و ناچاراً بایستی به شیوه‌های استثنایی و خاص تمسک جست (ابراهیمی، ۱۷۹: ۱۳۹۶).

^۱ جهانی‌شدن حقوق کیفری شکلی در جرایم سازمان‌یافته ناظر بر همگون‌سازی شیوه‌های تحقیقات مقدماتی، دادرسی و اجرای احکام و معاضدت قضایی و حقوقی میان دولت‌ها با در نظر گرفتن حق برخورداری طرفین پرونده از دادرسی منصفانه (عادلانده) می‌باشد (جوانمرد، ۷۷: ۱۳۹۳). همچنین ساختار دادگاه‌های کیفری به دنبال جهانی‌شدن، دچار تحول گردیده و سازمان قضایی به سمت تخصصی شدن و اختصاصی‌شدن گام برداشته است (پاک‌نیت، ۱۱۰: ۱۳۹۶).

^۲ در همین رابطه ر.ک: فارال و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۸-۵۳.

^۳ Jean Pradel

^۴ Raymond Gassin

^۵ بطور مثال علی‌رغم اینکه مدل غالب سیاست‌جنایی کشورهایی همچون آلمان و فرانسه دموکراتیک یا لیبرال است در خصوص برخی جرایم می‌توان شاخص‌های شکلی یا ماهوی سیاست‌جنایی اقتدارگرای فراگیر را در آنها مشاهده نمود که این امر نیز به مقوله افتراقی‌شدن سیاست‌جنایی بر پایه نوع جرم، مجرم و زه‌دیده یا موقعیت زمانی-مکانی جرم باز می‌گردد. (خوشبخت، دارابی، میرخلیلی، ۱۳۹۹: ۱۰۹)

۲-۳-۴- چستی افتراقی شدن آیین دادرسی کیفری بزهکاری اقتصادی

بایستی اذعان نمود؛ معیارهای متعددی به افتراقی شدن دادرسی کیفری می‌انجامد که ماهیت رفتار مجرمانه یکی از آنهاست^۱. در این بین، بزهکاری اقتصادی در زمره برجسته‌ترین پدیده‌های مجرمانه‌ایست که بنا بر اراده سیاستگذاران جنایی، موضوع افتراقی شدن آیین دادرسی قرار گرفته است^۲ (نیازپور، ۱۳۹۸: ۱۳).

بر مبنای آنچه بیان گردید و با عنایت به اهمیت امنیت اقتصادی بعنوان نقطه ثقل امنیت ملی کشورها^۳ (شمعی و احمدی، ۱۱۰: ۱۳۹۹) و پیامدهای سوء گسترش بزهکاری اقتصادی در جامعه^۴، تعامل چنین بزهکارانی با محافل قدرت سیاسی (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۷: ۴۶۲) و خطرناک‌پنداری مجرمین اقتصادی کلان^۵ (یقه سفیدها)^۶، کاربست آیین دادرسی افتراقی کارآمدتر ولو به قیمت سخت‌گیرانه‌تر بودن^۷، جهت نیل به پاسخ‌گویی بهینه و روش‌مند به بزهکاری اقتصادی علی‌الخصوص در نوع شدید آن که همانا افساد فی‌الأرض و اخلال در نظام اقتصادی^۸ می‌باشد موضوعی دور از انتظار نخواهد بود.

مواردی همچون تغییر و تعدیل در اصول و قواعد حاکم بر رسیدگی‌های کیفری^۹، تخصصی شدن مراجع رسیدگی‌کننده، معکوس شدن اصل براءت و انقلاب نظام ادله اثبات جرم، حذف قاعده مرور زمان و یا اطالهی مشمول مرور زمان قرار گرفتن، رسیدگی خارج نوبت، قطعیت احکام و سلب حق تجدیدنظرخواهی از متهم، الزام به انتشار مشخصات محکومان، اعطای اختیارات گسترده به ضابطین و... (احمدی و رضایی، ۱۱۵: ۱۳۹۵) منظومه‌ای از اسلوب‌ها و قواعد افتراقی را بر فرآیند رسیدگی به بزهکاری اقتصادی حاکم ساخته که در تکاپوی پاسخ‌دهی سریع، قطعی و حتمی کیفری نسبت به بزهکاران

^۱ جهت اطلاع بیشتر ر.ک: نجفی ابرنآبادی در دیباچه «درآمدی بر سیاست جنایی»، ۱۳۹۶، ۶۲-۵۵- آیت و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۳.

^۲ جهت اطلاع بیشتر ر.ک: نیازپور، ۱۳۹۸.

^۳ در همین راستا شایان ذکر است؛ به تعبیر برخی نویسندگان، جرم‌انگاری اخلال در نظام اقتصادی در کشور ما، بازتاب اندیشه‌ایست که «جامعه» را بزهدیده کلان جرایم و مفاصد اقتصادی می‌پندارد. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۹: ۳۸۵) به تعبیر برخی نویسندگان امروزه بُعد اقتصادی امنیت ملی جایگزین بُعد نظامی آن شده و این نشانگر اهمیت ویژه امنیت اقتصادی است. (منظمی تبار، ۱۳۹۸: ۹۴)

^۴ افزایش بزهکاری اقتصادی در سطح جوامع نه تنها پیامدهای مادی زبان باری از خود بر جای می‌گذارد بلکه از منظر سیاسی نیز مشروعیت ملی و بین‌المللی حکومت را زیر سؤال برده و زمینه فروپاشی دولت‌ها را فراهم نموده، مشروعیت حکمرانی حاکمان را با تردید عمومی مواجه ساخته و آخر الامر، به گسترش فقر، قشر ضعیف و فرهنگ فقر در جامعه منتج می‌گردد. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۷: ۴۶۲ و ۴۵۴)

^۵ به تعبیر برخی نویسندگان، توجه به مفهوم حالت خطرناک و واکنش دولتی و پاسخ سرکوبگرانه به آن، امنیتی‌شدن سیاست جنایی را سبب می‌شود. (خوشبخت، دارابی، میرخلیلی، ۱۳۹۹: ۹۹)

^۶ جهت اطلاع بیشتر در خصوص ارتباط جرایم یقه‌سفیدی و جرایم سازمان‌یافته و خطرناکی آنها از منظر جرم‌شناسی ر.ک: رضوانی، ۱۳۹۶: ۱۳۰-۱۲۷.

^۷ ناگفته نماند که راهبرد افتراقی شدن آیین دادرسی کیفری چنانچه دارای رویکرد فن/ تخصص‌گرایانه باشد می‌تواند به افزایش دقت و سرعت رسیدگی کیفری که از جلوه‌های دادرسی منصفانه محسوب می‌گردد بینجامد. (نیازپور، ۱۳۹۸: ۱۳)

^۸ جهت اطلاع بیشتر در خصوص بزه اخلال در نظام اقتصادی ر.ک: کبیری و شفیعی خورشیدی، ۱۳۹۷.

^۹ جهت اطلاع بیشتر ر.ک: تدین و باقری‌نژاد، ۱۳۹۸.

اقتصادی می‌باشد^۱ (رایجیان اصلی، ۳۸۵: ۱۳۹۹/جعفری، ۵: ۱۳۹۸) تا جایی که به همین علت در برخی موارد، به تعبیر برخی نویسندگان، چنین تحولاتی مانع تحقق اصول و تضمینات دادرسی منصفانه می‌گردد. (خاقانی اصفهانی، ۳۵۴: ۱۳۹۹) موضوع فقد مرحله تجدیدنظر در افتراقی شدن رسیدگی به بزهکاری- اقتصادی نیز از یکی از این موارد است که در این نوشتار در پرتو وضعیت اضطراری در نظام بین‌الملل حقوق بشر به تحلیل آن می‌پردازیم.

۴-۴- فقد مرحله تجدیدنظر در افتراقی شدن رسیدگی به بزهکاری اقتصادی در پرتو وضعیت اضطراری

۱-۴-۴- تعلیق حقوق بشر در وضعیت اضطراری

«حقوق بشر» به مثابه مذهب جدید بشر و قانون قانون‌ها، بیان‌گر هنجارها و قواعدی است که بایستی مداخله عناصری همچون زمان، مکان و اوضاع و احوال خاص جوامع را در آن‌ها ممنوع دانست (دبیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۴۱) چنین هنجارها و معیارهایی از رهگذر اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، رویه‌ها، میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و الگوی رفتار دولت‌ها با شهروندان را شکل داده و برای دولت‌ها تعهداتی ایجاد می‌نماید (شمعی و احمدی، ۱۳۹۹: ۳۵۴).

اصل بر اعمال حقوق بشر در همه وضعیت‌هاست منتها در منظومه مقررات حقوق بشری، مستند به سه کنوانسیون بسیار مهم، دُول عضو مختارند تا در شرایط اضطراری و فوق‌العاده، اجرای بسیاری از این حق‌ها را معلق نمایند. (قربان‌نیا، ۱۳۹۴: ۳۶۲) بند یک از ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر نموده: «هرگاه یک خطر عمومی استثنایی- فوق‌العاده- موجودیت ملت را تهدید نماید و این خطر بطور رسمی اعلام گردد، کشورهای عضو این میثاق می‌توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق به‌میزانی که وضعیت مزبور حتماً ایجاب نماید اتخاذ کنند، مشروط بر این‌که تدابیر مزبور با سایر الزاماتی- که طبق حقوق بین‌الملل بر عهده دارند مغایرت نداشته و منجر به تبعیض منحصرأ بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی نگردد.»

همچنین مواد ۱۵ و ۲۷ کنوانسیون‌های اروپایی و آمریکایی حقوق بشر نیز تحقق «وضعیت اضطراری» را پیش‌بینی نموده‌اند. به‌موجب این مواد در صورت وقوع جنگ یا خطر دیگری که حیات ملت را تهدید نماید، هریک از معاهدان می‌توانند تدابیر ویژه‌ای را برای تعلیق تعهدات مندرج در کنوانسیون اتخاذ نمایند. با این مقدمه بایستی به شناخت اصطلاح وضعیت اضطراری بپردازیم؛

منشاء اقتباس اصطلاح «وضعیت اضطراری» به‌عنوان مفهومی تقریباً مبهم، سیال و بدون تعریف یا

^۱ جهت اطلاع بیشتر رک: قهرمانی و سایبانی، ۱۳۹۸

مصدافی روشن، اثر «الهیات سیاسی»^۱ نوشته کارل اشمیت^۲ فیلسوف و حقوقدان آلمانی قرن بیستم می‌باشد. (هاشمی، ۱۳۹۲: ۶۴) چنین شرایطی به‌زعم برخی نویسندگان به مثابه یک حالت فترت است؛ یعنی عبور از وضعیت قانون‌مدار به وضع اولیه و طبیعی که هدف اولیه دولت از اعلام وضعیت اضطراری، بازگشت به نظم سابق است و دولت برای این هدف ناچار از کار بست محدودیت‌هایی برای یک دوره کوتاه و معقول در حق شهروندان است. (هاشمی، ۱۳۹۲: ۷۶) این وضعیت، ارتباطی پنهانی اما اساسی میان قانون و فقد قانون را برقرار می‌کند. در این بزنگاه، حاکمیت دچار یک پارادوکس است؛ پارادوکس وجود یک قدرت برتر که یک پای آن در قلمرو قانون و پای دیگر آن، خارج از مدار قانون قرار دارد و به‌منظور تثبیت قانون و برقراری مجدد نظم قادر است در خارج از قلمرو قانون قرار گیرد و آن را معلق نماید. (شمعی و احمدی، ۱۳۹۹: ۴۴۵-۴۴۴).

همچنین این موضوع را می‌توان این‌گونه تحلیل نمود؛ صیانت از امنیت جامعه از جمله امنیت اقتصادی در زمره تکالیف دولت‌هاست. امنیت جامعه پایداری و انسجام جامعه را به‌ارمغان می‌آورد. امنیت افراد جامعه نیز در قالب ضمانت‌های حقوق بشری نمود پیدا می‌نماید فلذا برهمکنش امنیت افراد و امنیت جامعه می‌تواند به‌شکل مثبت یا منفی تجلی یابد. بدین معنا که رعایت کامل حقوق بشر مستلزم عقب‌نشینی دولت‌ها از برخی فاکتورهای امنیتی خود، به‌نفع امنیت افراد می‌باشد و بالعکس. (ریبیعی، ۱۳۸۷: ۶-۷) به‌تعبیر برخی نویسندگان، حصول امنیت مستلزم پرداخت هزینه است و این مسأله به معنای قربانی نمودن اهداف دیگری است که منابع آن‌ها به امنیت اختصاص داده می‌شود (شمعی و احمدی، ۱۳۹۹: ۲۶) تمسک به تعلیق حقوق بشر نیز به‌هنگام تهدید امنیت جامعه صورت می‌پذیرد (ریبیعی، ۱۳۸۷: ۷) لذا فرآیند مذکور قرابت خاصی با مفهوم حاکمیت دارد چراکه دولت‌ها قادرند در وضعیت اضطراری تدابیری را به‌منظور حفظ موجودیت و ثبات خود به‌کار برند و معیار تشخیص کار بست این تدابیر نیز تشخیص خود دولت‌هاست (دبیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۴۹) صد البته که وضعیت اضطراری به معنای هرج و مرج و آنارشیزم نبوده و با استبداد نیز تطابق ندارد چرا که متأثر از قانون و واجد مقررات و شرایط خاص خود است و دولت حاکم ما یشاء نیست. (هاشمی، ۱۳۹۲: ۷۶) از همین‌رو در ادامه با بیان شرایط تحقق وضعیت اضطراری و با پیش فرض لزوم پرهیز از آیین‌نامه‌گرایی و ضرورت تبدیل شدن این مقررات به قانون مصوب مجلس قانونگذاری، به دنبال پاسخ به این پرسش خواهیم بود که آیا فقد مرحله تجدیدنظر و به‌دنبال آن قطعیت یافتن اکثر آراء صادره از دادگاه‌های ویژه موضوع آیین‌نامه فعلی که عموماً متضمن محکومیت به حبس‌های سنگین و جزایهای نقدی قابل توجه می‌باشد با این وضعیت قابل انطباق و توجیه است یا خیر؟

¹ Political Theology

² Carl Schmitt

۲-۴-۴- شریای تحقق وضعیت اضطراری

۱-۲-۴-۴- شریای مربوط به تهدید علیه حیات ملت

اصل ۳۹ از اصول سیراکیوز^۱ که در سال ۱۹۸۵ به منظور تعیین خطمشی محدودیت‌ها و ضوابط انصراف از مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تدوین یافته است، تهدید علیه حیات ملت را این‌گونه تعرفه می‌نماید: «تهدیدی که تمام جمعیت و تمام یا قسمتی از سرزمین کشور را تحت تأثیر قرار داده و تمامیت فیزیکی جمعیت، استقلال سیاسی یا تمامیت ارضی کشور یا وجود آن یا کارکرد اساسی نهادهایی که برای تضمین و حمایت از حقوق بشر شناخته شده در میثاق ضروری‌اند را تهدید نماید.» (ربیعی، ۱۳۸۷: ۹۰) بدیهی است معیارهای دیگری برای تشخیص و تحقق این مهم نیز مورد نیاز است که در ادامه به آن می‌پردازیم؛

۱-۱-۲-۴-۴- استثنایی بودن وضعیت؛

همان‌گونه که از ظاهر عبارت وضعیت اضطراری برمی‌آید این حالت بایستی ویژگی خاص و استثنایی بودن که مفهومی در برابر عمومیت داشتن و عادی بودن جریان امور است را همراه داشته باشد. لزوم استثنایی بودن وضعیت از سیاق نگارش ماده ۴ میثاق مذکور بر می‌آید. در عین حال، طیف پدیده‌ها و حالات بحرانی که امکان مصداق «وضعیت اضطراری» قلمداد شدن را دارند، گسترده است^۲ و مواردی نظیر: ناآرامی‌های سیاسی داخلی (ربیعی، ۱۳۸۷: ۸۵)، بلایای طبیعی، جنگ و حتی بحران حاد اقتصادی از این جمله‌اند. (قربان‌نیا، ۱۳۹۴: ۳۶۹) در حقیقت می‌توان این‌گونه استنباط نمود که برای تشخیص این که هر مورد از خصیصه استثنایی بودن برخوردار است یا خیر بایستی به ماهیت حادثه اعم از جرم، مشکلات اقتصادی و... توجه نمود. مهمترین معیار این سنجش، شدت سختی و اثر تهدید کننده‌ایست که آن عامل برای جامعه ایجاد می‌نماید. (ربیعی، ۱۳۸۷: ۸۹) اگرچه در نهایت حق توصیف وضعیت فوق‌العاده به‌عده دولت‌هاست. (دبیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۵۰) بطور مثال بند الف «منشور عرب در خصوص حقوق بشر» رویکرد موسعی را در خصوص استثنایی قلمداد شدن در پیش گرفته و مقرر نموده: «هیچ محدودیتی نبایستی بر حقوق و آزادی‌های شناخته شده این منشور وضع گردد مگر این محدودیت‌ها به‌موجب قانون برای حمایت از امنیت ملی و اقتصادی، نظم عمومی، بهداشت یا اخلاق یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری باشد.» (هاشمی، ۱۳۹۲: ۷۴) در خصوص موضوع این نوشتار نیز وضعیت خاص و نامساعد اقتصادی

^۱ The Siracusa Principles on the Limitation and Derogation Provisions in The International Covenant on Civil & Political Rights.

^۲ جهت کسب اطلاع بیشتر ر.ک. هاشمی، ۱۳۹۲: ۱۲۰-۸۰

ناشی از وضع تحریم‌های ظالمانه اقتصادی پساجرامی توسط جبهه استکبار که از سال ۱۳۹۷^۱ دامن جامعه را فرا گرفته است دورانی تحت عنوان «جنگ اقتصادی» را در کشور ما پدید آورده و به دنبال آن شاهد اتخاذ رویکرد افتراقی و تقریباً بی‌سابقه‌ای در مسیر پاسخ‌دهی به بزهکاری اقتصادی می‌باشیم.

۲-۱-۲-۴-ع-قرب‌الوقوع و واقعی بودن خطر

با مذاقه در ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، لزوم «قرب‌الوقوع» بودن بحران یا خطر قابل برداشت است. لذا بحران یا خطری که منتج به وضعیت اضطراری در جامعه می‌گردد بایستی ملموس و واقعی و حداقل در آستانه رخدادن باشد و این شرط، حالتی که بحران یا خطر مجازی (ذهنی)، حدسی و پنهانی باشد را مشمول این وضعیت نمی‌داند. (ریبعی، ۱۳۸۷: ۸۳) به تعبیر برخی نویسندگان، جامعه بایستی قویاً با آن بحران یا خطر مواجه شده باشد (قربان‌نیا، ۱۳۹۴: ۳۶۷) البته بالقوه بودن بحران برای تحقق این شرط کفایت می‌نماید و نیازی به بالفعل بودن بحران نیست (دبیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۵۱).

در دوران جنگ اقتصادی پسا برجام، نظام اقتصادی کشور دچار آسیب‌پذیری بیشتری شده و ارتکاب بزهکاری‌های اقتصادی کلان و عمده توسط بزه‌کاران یقه سفید، امنیت اقتصادی کشور و حتی در مواردی امنیت ملی را متزلزل نموده است (منظمی‌تبار، ۱۳۹۸: ۸۴). پرونده‌هایی همچون: سلاطین سکه، قیر، کاغذ، پتروشیمی و حتی سلاطین دوران همه‌گیری کرونا^۲ تا حدودی مؤید خطر و بحران بالفعلی است که دامان کشور ما را فرا گرفته است.

۲-۲-۴-ع-شرایط مربوط به واکنش دولت

پیش‌تر بیان نمودیم که وضعیت اضطراری به معنای بی‌قانونی و آنارشسیسم نیست بنابراین طبیعی است که برای تدابیر و واکنش دولت در وضعیت اضطراری معیارهایی در نظر گرفته شود که در ادامه به بیان آن‌ها خواهیم پرداخت.

۲-۱-۲-۴-ع-قانون مدار بودن واکنش دولت

^۱ نخستین گام در خصوص این وضعیت خاص، تصویب «آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۹۷/۰۸/۲۳» و تشکیل دادگاه‌های ویژه مفاسد اقتصادی توسط ریاست اسبق قوه قضاییه و سپس اصلاح این آیین‌نامه در مورخه ۱۳۹۹/۰۷/۰۸ توسط ریاست سابق قوه قضاییه تحت عنوان «آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم عمده و کلان‌اخلاص‌گران در نظام اقتصادی-کشور» می‌باشد.

^۲ Imminent

^۳ جهت کسب اطلاع بیشتر ر.ک: رایجیان اصلی، ۱۳۹۹: ۳۸۴-۳۸۱

به تعبیر «جورجیو آگامبن»^۱ فیلسوف سیاسی ایتالیایی، حاکم یا فرمانروا به سبب مواجهه با وضعیت- اضطراری، کارکردی دوگانه می‌یابد از یک سو در چارچوب قانون قرار دارد و از سوی دیگر قدرتِ تعلیق قانون در وضعیت اضطراری را کسب می‌نماید (هاشمی، ۱۳۹۲: ۷۷) سابق بر این بیان نمودیم که اصل بر اعمال حقوق بشر در کلیه وضعیت‌هاست و این حقوق اصولاً قابل تعلیق نیستند لکن اسناد بین‌المللی که پیش‌تر بدان اشاره نمودیم معیارها و الزاماتی را برای دولت‌ها هنگام اعمال تعلیق نسبت به تضمینات حقوق بشری ترسیم نموده است. علی‌ای‌حال این امر نافی الزام دولت‌ها برای پیش‌بینی تدابیر و سازوکارهایی جهت کنترل و قانون‌مند ساختن واکنش و اقدامات هنگام بروز وضعیت اضطراری نخواهد بود. بطور مثال دیوان آمریکایی حقوق بشر در ژوئیه ۱۹۸۷ طی نظریات مشورتی خود چنین اعلام داشته که عدول از تضمینات ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، متضمن تعلیق موقتی اصل حاکمیت قانون نمی‌باشد. (هاشمی، ۱۳۹۲: ۷۸) چنین فرآیندی نزد نویسندگان به‌عنوان قانون‌مدار بودن واکنش دولت شناخته شده است. (شمعی و احمدی، ۱۳۹۹: ۴۴۴/هاشمی، ۱۳۹۲: ۷۷) با تسامح نیز می‌توان تصویب آیین‌نامه موضوع بحث در سال ۱۳۹۷ و سپس اصلاح آن در سال ۱۳۹۹ را برای قانون‌مند نمودن شیوه رسیدگی افتراقی به بزهکاری اقتصادی در دوران جنگ اقتصادی پسا برجام به‌عنوان وضعیت اضطراری دانست.

۲-۲-۲-۴- موقتی بودن و ضرورت داشتن واکنش دولت

همانطور که بند اول ماده ۳۳ پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت دولت که شور اول آن در سال ۱۹۹۶ توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل به تصویب رسیده مقرر نموده؛ وضعیت اضطراری زمانی موجه است که یگانه وسیله تضمین منفعت اساسی، در قبال آن بحران یا خطر شدید و فوری باشد (هاشمی، ۱۳۹۲: ۷۸) و با عنایت به ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به لزوم جدی و استثنایی بودن بحران یا خطر پی می‌بریم. بنابراین تعلیق تضمینات حقوق بشری که در کالبد وضعیت- اضطراری نمود می‌یابد بایستی موقتی و محدود به دوران بحران باشد. همچنین باتوجه به اصل اعمال حقوق بشر در همه وضعیت‌ها و استثنایی بودن کاربرت مقررات وضعیت اضطراری، واکنش دولت نیز بایستی محدود به حد ضرورت و بطور موقتی و نه دائمی باشد تا بتواند به حل بحران یاری رساند نه آنکه باعث تشدید معضل گردد. چنانکه به تعبیر برخی نویسندگان واکنش دولت در وضعیت اضطراری نباید دائمی و به پارادایم مدیریت بحران مبدل گردد. (شمعی و احمدی، ۱۳۹۹: ۴۴۵)

در توصیف انطباق این شرط و کاربرت مقررات افتراقی سخت‌گیرانه در دوران جنگ اقتصادی پسا برجام که در کالبد آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۷ و سپس اعمال اصلاحات آن در سال ۱۳۹۹ نمود یافته است

^۱ Giorgio Agamben

بایستی بیان نمود؛ آیین‌نامه‌های مذکور موقتی بوده و به صراحت از اعتبار زمانی محدودی برخوردار بودند. بند ۱۲ استجازه ۱۳۹۷/۰۵/۲۰ آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۷/۰۸/۲۳، مدت اعتبار مصوبه را ۲ سال از تاریخ تصویب تعیین نموده بود و بند ۹ استجازه ۱۳۹۹/۰۶/۰۲ آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۹/۰۷/۰۸ نیز مدت اعتبار مقررات آیین‌نامه را حداکثر پایان شهریور ۱۴۰۰ عنوان نموده است.^۱

۵- نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن حقوق کیفری و درماندگی نظام عدالت کیفری در پاسخ‌دهی مؤثر به بزهکاری اقتصادی و نیز ماهیت پیچیده و متکثر این جرایم از جمله مهمترین عواملی هستند که منجر به اتخاذ سیاست‌های جهانی جهت پاسخ‌دهی بهینه به این دسته جرایم در کالبد «افتراقی‌شدن آیین دادرسی کیفری» گردیده‌اند. در این فرآیند که به معنای تکه‌تکه و جزیره‌ای‌شدن آیین دادرسی کیفری می‌باشد، اصول و کلیشه‌های سنتی و متداول آیین دادرسی کیفری، دچار استحاله شده و جای خود را به اصول و معیارهای نوینی می‌دهند که غایاتی همچون: تخصص‌گرایی، سخت‌گیری و شدت در پاسخ‌دهی کیفری، کارایی و سرعت را دنبال می‌نمایند. اهداف مذکور در شیوه رسیدگی دادگاه‌های ویژه موضوع آیین‌نامه که در دوران جنگ-اقتصادی پسارجم در بازه زمانی سال ۱۳۹۷ تا کنون وضع گردیده، در مواردی با اصول و تضمینات سنتی دادرسی منصفانه تلائم چندانی نداشته و رویکرد حتمیت اجرای مجازات را دنبال می‌نمایند. یکی از موارد درخور بحث و قلم‌فرسایی که به قلمرو حقوق دفاعی متهم در فرآیند دادرسی کیفری مربوط است، مقوله فقد مرحله تجدیدنظر و به تبع آن قطعیت اکثر آراء صادره از دادگاه‌های ویژه موضوع آیین‌نامه علیرغم سنگینی اتهامات و مجازات‌های قابل توجه می‌باشد.

بایستی اذعان نمود از یک سو، درهم‌تنیدگی مفاهیم حقوق بشری و اصول ناظر بر دادرسی منصفانه غیر قابل انکارند و از سوی دیگر، به موجب اسناد بین‌المللی از جمله: ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بند الف منشور عرب در خصوص حقوق بشر، تعلیق و رویگردانی از کاربست حقوق بشر که موازین دادرسی منصفانه نیز جزئی از آن است تحت شرایطی به‌عنوان «وضعیت اضطراری» تجویز گردیده‌اند. در این نوشتار نیز به این نتیجه نائل گشتیم که با عنایت به اهمیت و تأثیر بزهکاری اقتصادی عمده و کلان بر امنیت اقتصادی و پسا برجام، وضعیت موجود با تسامح، با آنچه به‌عنوان معیارهای تحقق وضعیت اضطراری در اسناد بین‌المللی پیش‌گفته به رسمیت شناخته شده از جمله: شرایط لازم برای تهدید علیه حیات ملت که شامل: ۱- استثنایی بودن وضعیت ۲- واقعی بودن بحران می‌باشد و شرایط لازم برای واکنش دولت از قبیل: ۱- قانون-

^۱ به قسمت مستندات قانونی مراجعه شود- <http://www.eghtesadi.eadl.ir>

مداری واکنش دولت ۲- ضرورت داشتن و موقتی بودن اقدامات دولت، تلائم و همخوانی دارد. فلذا ماده ۱۹ آیین‌نامه مبنی بر قطعیت اکثر آراء صادره از دادگاه‌های ویژه موضوع آیین‌نامه و فقد مرحله تجدیدنظر در این فرآیند، اگرچه با حق بر تجدیدنظرخواهی بعنوان یکی از اصول ناظر بر تحقق کامل دادرسی- منصفانه زاویه دارد لکن در پرتو وضعیت اضطراری قابل توجه بنظر می‌رسد. همچنین بایستی اذعان داشت با مرور اسناد بین‌المللی بخصوص ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مطلبی دال بر اینکه حق بر دادرسی منصفانه که حق بر تجدیدنظرخواهی نیز یکی از اصول ناظر بر تحقق کامل آن است یافت نمی‌گردد و در نتیجه دولت‌ها در وضعیت اضطراری مجاز به صرف‌نظر نمودن از حق بر دادرسی منصفانه در محاکمات خود می‌باشند. اگرچه با توجه به اهمیت موضوع و این واقعیت که حق بر تجدیدنظرخواهی در زمره حقوق مسلم و اساسی متهم در فرآیند دادرسی کیفری است، چنین مقرره‌ای (سلب حق تجدیدنظرخواهی) در صورت استمرار اعمال، یقیناً نیازمند طی نمودن فرآیند تقنین و مبدل شدن به قانون مصوب مجلس قانونگذاری خواهد بود.

۶- پیشنهاد

ضمن آرزوی بهبودی برای اوضاع اقتصادی کشور و کنترل بزهکاری، پیشنهاد می‌نماییم، مفاد آیین‌نامه با اعمال اصلاحاتی ردای قانون مصوب مجلس پوشیده و به منظور لزوم احتیاط در رسیدگی قضایی و پاسداشت حقوق دفاعی متهمین، حق بر تجدیدنظرخواهی نسبت به تمام آراء صادره از دادگاه‌های ویژه آیین‌نامه مشابه آنچه در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در خصوص دادگاه‌های نظامی زمان جنگ در نظر گرفته شده (کاهش مهلت تجدیدنظر و رسیدگی سریع‌تر به تجدیدنظرخواهی) به رسمیت شناخته شود.

تشکر و قدردانی

نویسندگان، از همه عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشته‌اند کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع کتاب‌ها

ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۶). جرم‌شناسی پیشگیری (جلد اول)، چاپ چهارم. تهران: نشر میزان.
 ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۳). دیباچه در جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی (نظریه عمومی تزویر)، نوشته: رمون گسن، چاپ سوم. تهران: نشر میزان.
 پاک‌نیت، مصطفی (۱۳۹۶). افتراقی شدن دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- تدین، عباس، باقری‌نژاد، زینب (۱۳۹۸). اصول حاکم بر دادرسی کیفری اقتصادی، دانشنامه علوم جنایی-اقتصادی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری اختصاصی در جرایم سازمان‌یافته فراملی، چاپ اول، تهران: انتشارات جاودانه.
- خاقانی‌اصفهانی، مهدی (۱۳۹۹). نقد قانون و لایحه ارتقاء سلامت‌نظام اداری و مقابله با فساد از منظر پسا ساختارگرایی جرم‌شناختی، ارمغان عمر (مجموعه مقالات در نکوداشت دکتر محمود عرفانی)، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- خالقی، علی (۱۳۹۷). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات شهردانش.
- خالقی، علی (۱۳۹۲). آیین دادرسی کیفری، چاپ بیست و یکم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). فرهنگ متوسط دهخدا، چاپ اول، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۹). جرم‌شناسی و سیاست جنایی مبارزه با جرم‌های اقتصادی. ارمغان عمر (مجموعه مقالات در نکوداشت دکتر محمود عرفانی)، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- رحیمی‌نژاد، اسمعیل (۱۳۸۷). کرامت انسانی در حقوق کیفری، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- رضوانی، سودابه (۱۳۹۶). مفهوم خطرناکی در گستره علوم جنایی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- شبت، ویلیام ا. (۱۳۹۶). مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه: سیدباقر میرعباسی و حمید الهوئی-نظری، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.
- شمعی، محمد، احمدی، سید محمدصادق (۱۳۹۹). تقابل و توازن امنیت و آزادی در دولت قانون‌مدار، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- فارال، استفن، جکسون، جاناتان، گری، امیلی (۱۳۹۲). نظم اجتماعی و ترس از جرم در دوران معاصر، ترجمه حمیدرضا نیکوکار، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۹۴). حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). فلسفه حقوق، جلد دوم، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کبیری، سهیل، شفیع خورشیدی، علی اصغر (۱۳۹۷). اخلال در نظام اقتصادی کشور، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- محمدی‌مغانجویی، فاطمه (۱۳۹۸). ناتوان‌سازی مجرمان اقتصادی، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- محمودی، پدram (۱۳۹۶). اصول راهبردی دادرسی منصفانه، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- معین، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی معین (جلد اول)، چاپ اول، تهران: نشر سی‌گل.
- معین، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی معین (جلد دوم)، چاپ اول، تهران: نشر سی‌گل.

- ناجی زواره، مرتضی (۱۳۹۴). آشنایی با آیین دادرسی کیفری (جلد دوم)، چاپ اول، تهران: انتشارات-خرسندی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۷). سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، مجموعه مقالات سیاست-جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۶). درآمدی بر سیاست جنایی، (دیباچه ویراست سوم کتاب درآمدی بر سیاست جنایی نوشته کریستین لازرژ)، چاپ ششم، تهران: نشر میزان.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۸). آیین دادرسی کیفری اقتصادی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- هاشمی، سیدحسن (۱۳۹۲). دادرسی منصفانه در شرایط اضطراری در اسناد بین المللی و ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

مقاله‌ها

- آقای نیای، حسین، جوانمرد، بهروز (۱۳۹۰). سیاست کیفری سخت‌گیرانه در قبال جرایم کیفری خرد در پرتو تسامح صفر با تأکید بر حقوق کیفری ایران و آمریکا، فصلنامه دانش انتظامی، ۱۳ (۴۰): ۷-۴۰.
- آیت، علیرضا، پاکزاد، بتول، عالی‌پور، حسن، صابر، محمود (۱۳۹۸). توجیه رسیدگی افتراقی برای جرایم اقتصادی: تهدید جرم یا خطر مرتکب؟، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۲۸: ۲۶۷-۲۳۹.
- احمدی، احمد، رضایی، محسن (۱۳۹۵). آثار جهانی شدن حقوق کیفری، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۴: ۱۱۵-۱۴۴.
- خوشبخت، حسین، دارابی، شهرداد، میرخلیلی، سید محمود (۱۳۹۹). امنیت در مدل اقتدارگرایی فراگیر سیاست جنایی، فصلنامه علمی مطالعات بین‌المللی پلیس، ۱۱ (۴۳): ۹۱-۱۱۶.
- رجبی تاج امیر، ابراهیم (۱۴۰۰). جهانی شدن جرم و ضرورت سیاست‌گذاری پلیس در مبارزه با جرایم فراملی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، ۱۲ (۴۶): ۱۰۰-۱۲۱.
- قپانچی، حسام، دانش‌ناری، حمیدرضا (۱۳۹۱). الگوهای دوگانه‌فرآیند کیفری «کنترل جرم» و «دادرسی-منصفانه»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۴: ۱۸۴-۱۶۷.
- قهرمانی، مجتبی، سایبانی، علیرضا (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی دادگاه‌های ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی ایران با تأکید بر اصل حتمیت اجرای مجازات‌ها، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۲۷: ۲۲۰-۱۸۷.
- کانونزبان، ناصر (۱۳۸۶). عدالت و حقوق بشر، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۳۷ (۳): ۳۳۱-۳۲۳.
- گسن، رموند (۱۳۸۵). ملاحظه‌هایی درباره هدف آیین دادرسی کیفری، مترجم شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی دادگستری، ۵۷-۵۶: ۳۴۸-۳۳۳.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی، بیات، محسن (۱۳۹۹). نقض حقوق دفاعی متهم در فقد تجدیدنظرخواهی پژوهشی از آراء دادگاه کیفری یک، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۸۵: ۸۱-۶۳.

منصورآبادی، عباس (۱۳۸۴). حق تجدیدنظر در فرآیند دادرسی عادلانه، مجله اندیشه‌های حقوقی، ۸: ۸۹-۶۱

منظمی تبار، جواد (۱۳۹۸). مطالعه تأثیر فساد و جرایم یقه سفیدان بر اقتصاد و امنیت ملی، فصلنامه علمی مطالعات بین‌المللی پلیس، ۱۰ (۳۸): ۱۰۱-۸۱. پایان‌نامه‌ها

اشرفی، محمود (۱۳۹۶). تحولات قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در زمینه تحقق دادرسی عادلانه، رساله دکتری، دانشگاه کاشان.

بیگزاده، جلال (۱۳۸۸). موارد عدول از دادرسی عادلانه در حقوق کیفری ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

جعفری، داریوش (۱۳۹۸). ابعاد رسیدگی افتراقی به جرایم اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

جمادی، علی (۱۳۸۶). قطعیت آراء و حق تجدیدنظرخواهی در حقوق کیفری ایران و مقایسه با فقه و اسناد حقوق بشری، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

خداکرمی، خلیل (۱۳۹۴). حق دفاع متهم در مرحله تجدیدنظر از منظر حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.

خدایاری، تقی (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی تجدیدنظرخواهی از آراء کیفری در حقوق ایران و آمریکا با تأکید بر لایحه آیین دادرسی کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری قوه قضاییه، تهران.

دبیرزاده، الهه (۱۳۹۴). جدال قدرت و آزادی در دادرسی‌های کیفری، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

ربیعی، علیرضا (۱۳۸۷). تعلیق حقوق مندرج در معاهدات حقوق بشری در وضعیت‌های اضطراری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

Garner, Bryan. A (2009). Black's Law Dictionary, Ninth Edition, Printed in U.S.A: Thomson Reuters.

<http://www.eghtesadi.eadl.ir>



The Effect of the Emergency State on the Lack of an Appeal Stage in the Special Courts of Economic Crimes

Sohrab Neshastehriz *
Mahmoud Malmir **
Masoud Heydari ***

Abstract

The process of differentiation of criminal procedure in the field of Economic criminality is due to factors such as globalization of criminal law, inability of the criminal justice system and inefficiency of traditional principles of criminal procedure in responding successfully to it. In this process some of criteria such as specialization, rapidity and severity of the criminal response are followed. Approval of executive by-law on how to deal with major crimes disrupting the countries economic system which was approved on 29/09/2020 during the Economic War of post (JCPA) is one of the examples of this process, which according to Article 19 the majority of the rulings of courts subject to this article are final and despite severity of charges and convictions they lack appeal stage and sole purpose is to ensure execution of the sentence. This issue is not compatible with the recognition of the right to appeal as one of the principles of governing a fair trial. The present Article has been done by descriptively-analytically method. We have come to the conclusion that this issue is in the line with the criteria for describing the State of Emergency in some international documents and seems to be justifiable. Also, in the opinion of the authors it seems to be essential the recognition of the right to appeal against all rulings issued by-law in the courts subject to this regulation which is similar to that provided for in the Code of Criminal Procedure (2013) for Wartime Military Courts.

Keywords

Differentiation of Criminal Procedure, Economic Criminality, Fair Trial, Right to Appeal, State of Emergency

* Ph. D Student, Department of Criminal Law & Criminology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Sohrabn@ymail.com

** Associate Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author): dr.malmir1@gmail.com

*** Assistant Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. masoud_heidari2@yahoo.com